

# گاه‌شماری در

## باورهای آیینی و مذهبی ایرانیان

### (باتکیه بر وقفنامه‌های مازندران)

معصومه یدالله‌پور<sup>۱</sup>

#### چکیده:

در ایران، گاه‌شماری بر اساس خواسته‌های مذهبی پیشینه‌ای دراز و هر یک شرایط خاص خود را دارد و با توجه به نیازهای اجتماعی و اقتصادی جامعه آن روزگار است. با ورود اسلام، گاه‌شماری قمری در کنار دیگر گاه‌شماری‌های ایرانی برای برگزاری مراسم مذهبی و نیز ثبت تاریخ وقایع کاربرد داشت و بسیاری از شعائر اسلامی بر پایه ماه‌های این گاه‌شماری بوده است. با مطالعه اسناد رسمی به خصوص وقفنامه‌های مربوط به مازندران، مردم ایران به جهت شعائر اسلامی و اوضاع جامعه تحت تأثیر دو گاه‌شماری به نام‌های قمری و دوازده حیوانی بوده‌اند و در اسناد از گاه‌شماری محلی نیز استفاده می‌کردند. گاه‌شماری اسناد ذکر سال و رکنی از گاه‌شماری بوده که ترکیب این دو، مبدأ آن و سال‌های سپری شده از مبدأ تا زمان تهیه شدن سند را می‌رسانده است و گونه‌های بسیاری از ترکیب، تلفیق یا حذف ارکان مختلف گاه‌شماری بر روی اسناد به خصوص وقفنامه‌ها وجود دارد که از جمله آن مبدأ گاه‌شماری هجری قمری با ارکان گاه‌شماری‌های دیگر است. از این رو در این نوشتار با مطالعه چند نمونه از وقفنامه و اسناد مربوط به مازندران این مهم بررسی می‌شود.

#### کلید واژه‌ها:

گاه‌شماری، اسناد رسمی، وقفنامه، مازندران.

## مقدمه

گاه‌شماری مجموعه قاعده و جدول‌هایی است که برای تقسیم زمان و گروه‌بندی روزها و واحدهای کوچک‌تر یا بزرگ‌تر از روز به شیوه‌های مناسب و تنظیم کارهای دینی و غیردینی و ثبت رویدادها تنظیم شده است.<sup>۲</sup> هر قومی که تمدنی پیشرفته داشته، گاه‌شماری خاص خود را دارا بوده است. علاوه بر گاه‌شماری‌های رسمی، گاه‌شماری‌های محلی نیز در نواحی مختلف ایران در اجرای آیین‌ها و شعائر مذهبی و قومی رواج داشتند. پیشینه و ماهیت بسیاری از این گاه‌شماری‌ها به گاه‌شماری یزدگردی می‌رسد. با ورود اسلام، گاه‌شماری قمری و با تسلط مغول، تقویم دوازده حیوانی در ایران رواج یافت و دانشمندان زیادی به مطالعه و اصلاح گاه‌شماری اقدام نمودند. با مطالعه اسناد به دست آمده، گاه‌شماری قمری و دوازده حیوانی بیشترین تأثیر را در باور مردم ایران دارد.

۱۱۰

## وقفنامه

در این پژوهش با توجه به این‌که اکثر تقویم‌های عالم ریشه مذهبی دارند به مطالعه گاه‌شماری اسناد به خصوص وقفنامه‌ها می‌پردازد تا به خوبی تأثیر شعائر مذهبی در باور و زندگی مردم ایران را روشن سازد که در این میان گاه‌شماری اسناد و مشخصات آن تعریف و چند نمونه ذکر می‌شود. در هر یک از اسناد، تاریخی وجود دارد که نشانگر زمان نگارش و یا گزارشگر رویدادی است که در بیشتر موارد در پیوند با آن است. این نوشتار در راستای این پرسش‌ها تنظیم شد:

۱. آیا گاه‌شماری در ایران فقط با مذهب در ارتباط است؟
۲. گاه‌شماری در اسناد به خصوص وقفنامه‌ها به چه صورت است؟ شعائر کدام گاه‌شماری بیشترین تأثیر را در باور مردم دارد؟

## گاه‌شماری در ایران

ضبط تاریخ دقیق یک واقعه در صورتی کامل است که چهار رکن تاریخ؛ یعنی روز هفته، روز ماه، ماه و سال وقوع آن مشخص شده باشد. مورخان متقدم در موارد

معدودی هر چهار رکن تاریخ را ضبط کردند و در بسیاری موارد از ضبط یک تا سه رکن خودداری کرده‌اند. هدف از ضبط همه ارکان تاریخگذاری، مشخص نبودن فاصله زمانی وقایع گذشته با هر لحظه‌ای است که هر یک از افراد بشر به آن واقعه می‌اندیشد<sup>۳</sup> سالی را که فاصله زمانی دیگر وقایع نسبت به آن سنجیده می‌شود اصطلاحاً مبدأ تاریخ (مبدأ گاه‌شماری) می‌نامند و با آن‌که روز وقوع حادثه بزرگ موجب تشخیص سال مبدأ گاه‌شماری از دیگر سال‌ها شده است در گاه‌شماری نخستین روز سال مبدأ گاه‌شماری را به عنوان نقطه آغاز محاسبات به کار می‌برند<sup>۴</sup>. قدیمی‌ترین مبدأ گاه‌شماری به عقیده ایرانیان، مبدأ آفرینش جهان است<sup>۵</sup>. با توجه به این‌که تنظیم تقویم از ابتدا در هر نقطه‌ای از جوامع بشری بیشتر با مسائل مذهبی در ارتباط بوده است برای تنظیم برنامه‌های مذهبی به ایجاد تقویم مذهبی اقدام می‌نمودند<sup>۶</sup> برای مثال: گاه‌شماری دینی مزدیسنا، یک تقویم محض مذهبی است که بر اساس خواسته‌های دینی زرتشت و مزدپرستی و انجام مراسم و فرایض مذهبی و اهداف دینی بنا شده است و مسائل سیاسی و مادی در آن مورد توجه نیست. همچنین هر یک از روزها و ماه‌های سال در این تقویم اختصاص به فرشته و یا فرشتگانی دارند و انجام فرایض دینی را در زمان‌های خاص توصیه می‌نماید<sup>۷</sup>، این تقویم بعدها به تقویم یزدگردی معروف شد.

قوم آریان زمانی که به ناحیه فارس رسید و اندک اندک زندگی ماندگاری و کشاورزی برگزید، با تأثیر خورشید بر زندگی آشنا شد. یکی از نشانه‌های این آشنایی نقش ستارگان و نشانه برج‌های دوازده گانه بر ظروف سفالین و انواع مهرهاست که در حفاری‌های مختلف به دست آمده است. آریانیان ایران که به تقویم احتیاج داشتند از همسایگی با تمدن بین‌النهرین استفاده کردند و گاه‌شماری خورشیدی-مهی را پذیرفتند و در آن به اقتضای طبع و به حکم نیاز تغییراتی دادند<sup>۸</sup>. با ورود اسلام در ایران، گاه‌شماری هجری قمری رواج یافت و همواره در کنار دیگر گاه‌شماری‌های ایرانی برای برگزاری مراسم مذهبی و نیز ثبت تاریخ

وقایع کاربرد داشته است.

با توجه به این که فعالیت‌های مدنی یک جامعه اعم از اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ... از نظر زمان بر اساس تقویم جاری در آن جامعه صورت‌بندی می‌شود- البته ممکن است در یک جامعه تقویم‌های مختلف رایج باشد- بنابراین نوع تقویم کشور و نیز تبعات آن مانند تعیین روز تعطیل عمومی و سالانه به موجب قانون، تشخیص و تعیین می‌شود.<sup>۹</sup> به جز تقویم‌های رسمی، از تقویم محلی در تاریخگذاری اسناد و مدارک استفاده می‌شد. اینک به چند نمونه از گاه‌شماری‌های رایج در ایران پرداخته می‌شود:

### گاه‌شماری هجری قمری

از مبدأ مهم تاریخی، مبادی تاریخی متکی بر دین است که در میان اکثر اقوام و ملل جهان تا حدی عمومیت دارد. مسلمانان هجرت حضرت محمد ﷺ را مبدأ تاریخ خویش قرار داده‌اند. از این روی تقویم مذهبی جهان اسلام تقویم هجری قمری است.<sup>۱۰</sup> گاه‌شماری اسلامی هجری قمری پس از اسلام به صورت گاه‌شماری رسمی ایران درآمد و گاه‌شماری ایرانی (یزگردی و سپس جلالی) همچنان برای امور عرفی در رواج ماند.

به درستی روشن نیست که از چه زمانی ماه‌شماری برجی (حمل، ثور و ...) به گاه‌شماری ایرانی راه یافته است. تحقیقات نشان می‌دهد ابداع منازل ماه از کارهای عرب‌ها بوده است و آنان بروج<sup>۱۱</sup> را از ملل همجوار اقتباس کرده بودند. اگرچه نام برج‌ها به زبان عربی است اما از اصل سریانی و یا یونانی به عربی وارد شده است. به تدریج بعد از آشنایی اعراب با بروج، خود آنان نیز در شناسایی و مشخص کردن منازل آن‌ها و فصول سال و طرز استفاده از صورهای فلکی با ملل متمدن همجوار خویش همراه شدند و این کار به صورت علمی اغلب به دوره اسلامی مربوط می‌شود.<sup>۱۲</sup>

در ایران قبل از اسلام همانند دوره اسلامی کواکب آسمانی و بروج مورد توجه

بوده است. با گسترش فرهنگ اسلامی، ایرانیان نیز در قلمرو این تمدن و فرهنگ قرار گرفتند و دانشمندان ایرانی نیز در محیط اسلامی به توسعه و نشر علوم پرداختند. یکی از آنها عبدالرحمن صوفی است که در نجوم، صورالکواکب را نگاشت<sup>۱۳</sup>.

| شکل   | بروج دوازده گانه |
|---|------------------|
| گوسفند است که نشسته و به پشت سر خود می‌نگرد.  | حَمَل            |
| خوشه انگور  | ثَوْر            |
| همچون دو کودک بر پای ایستاده هر یکی، یک دست بر دیگری پیچیده دارد تا بازوی او بر گردن دیگری نهاده شود.                       | جوزا(توآمان)     |
| خرچنگ   | سرطان            |
| شیر   | اسد              |
| عذرای جوان، زن همچون کنیزک با دو پر و دامن فرو هشته.  | سنبله(عذرا)      |
| ترازو   | میزان            |
| -   | عقرب             |
| برجی است بر صورت راکبی کمان بزه کرده باز پس می‌نگرد، تیر کشیده، پیش وی ماری دنبال به بالا کرده.                             | قوس(رامی)        |
| بر صورت بزی است گوش‌ها بزرگ اعضاها از یکدیگر گشوده.   | جَدی             |
| همچون مردی است ایستاده و هر دو دست دراز کرده و به یک دست کوزه‌ای دارد نگونسار کرده تا آب از آن همی ریزد و برپایش همی رود... | دلو(ساکب الماء)  |
| به صورت دو ماهی سر هر یک سوی دنبال دیگر، پیش آن زنی نشسته پیش وی کودکی سرنگون آویخته.                                       | حُوت(سمکتان)     |

مأخذ: گاه‌شماری در تاریخ، صص ۳۹-۴۰

تازیان، تقویم قمری را به ایران به ارمنان آوردند. در این تقویم تازه، سال نو در اعتدال ربیعی و آغاز بهار واقع نمی‌شود بلکه ابتدای سنه جدید قمری اول

محرم الحرام است. آنها با رسوم و سنن ایرانی مخالفت کرده اما ایرانیان آغاز سال نو را نگاه داشتند تا جایی که به صورت یک جشن عمومی در سراسر قلمرو عباسیان و پس از آن رواج یافت. تا سال ۴۷۵ قمری که سلطان جلال الدین ملکشاه سلجوقی به سلطنت رسید<sup>۱۴</sup>.

### گاه شماری خورشیدی جلالی

یک نظام گاه شماری خورشیدی اعتدالی است که از عالی ترین مظاهر فرهنگ اصیل و دانش دیرپای علم نجوم در ایران است که به نام های تاریخ جلالی، ملکی، ملکشاهی، سلطانی و محدث نامیده می شود<sup>۱۵</sup>. ساختار بنیادین این گاه شماری بنا بر سنت های دیرین گاه شماری ایرانی و با تأکید خاص بر انطباق نوروز یا روز نخست سال با نقطه اعتدال بهاری بوده است. موقع نجومی نوروز سلطانی که اول فروردین ماه و یا برج حمل است از تحویل آفتاب به برج حمل آغاز می شود، سایر ماه ها را مطابق با سایر بروج دوازده گانه قرار دادند. بعضی اسامی ماه های یزدگردی که عبارت بودند از: فروردین، اردیبهشت، خرداد... و اسفندارمذ منسوخ شد و به جای آنها اسامی دوازده برج؛ حمل، ثور، جوزا، سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی، دلو و حوت نام ماه های تقویم جلالی گردید<sup>۱۶</sup>. اگرچه ماه های جلالی به نام بروج فلکی نامگذاری شد اما بنا به اصول تقویم نگاری، زمان آنها با زمان بروج یکی گرفته نشد<sup>۱۷</sup>. سال در تقویم جلالی سال معمولی و شمسی اصطلاحی است با وجود این از تمام تقویم های معمولی جهان به شمس حقیقی کاملاً نزدیک تر است<sup>۱۸</sup>.

### گاه شماری دوازده حیوانی ایرانی

گاه شماری دوازده حیوانی در میان دانشمندان اسلامی به نام های تاریخ ترک، ختن، اویغور و ... مشهور است<sup>۱۹</sup>. این نوع از گاه شماری در ایران با دوازده حیوانی

چینی- اویغوری بسیار متفاوت است. از این رو بدان گاه‌شماری دوازده حیوانی ایرانی می‌گویند. گاه‌شماری دوازده حیوانی ایرانی از ترکیب بعضی از اصول گاه‌شماری‌های جلالی، هجری قمری و دوازده حیوانی چینی- اویغوری شکل گرفته است. این گاه‌شماری در طول هفت قرن که در ایران رواج داشت یعنی از حمله مغول تا سال ۱۳۰۴ هجری شمسی همواره به یک صورت نبوده است. به همین دلیل کلمه ایرانی را نیز به همراه دارد. مبدأ گاه‌شماری مذکور مطابق با روز پنجشنبه ۱۵ ژوئیه سال ۶۲۲ مسیحی و نخستین روز سال قمری است که حضرت محمد ﷺ از مکه به مدینه هجرت فرموده است و مستقیماً از گاه‌شماری هجری قمری اقتباس شده است<sup>۲۰</sup>. به موجب سال‌شماری دوازده حیوانی هر سال به نام یک حیوان مشخص می‌شد.

| نام فارسی             | نام ترکی   |
|-----------------------|------------|
| اسب                   | یونت ئیل   |
| گوسفند                | قوی ئیل    |
| بوزینه / شادی / میمون | پیچی ئیل   |
| مرغ / ماکیان          | تخاقوی ئیل |
| سگ                    | ایت ئیل    |
| خوک                   | تنگوز ئیل  |
| موش                   | سیچقان ئیل |
| گاو                   | اود ئیل    |
| پلنگ                  | بارس ئیل   |
| خرگوش                 | توشقان ئیل |
| نهنگ / سوسمار         | لوی ئیل    |
| مار                   | ئیلان ئیل  |

مأخذ: گاه‌شماری، ص ۱۲۹

خواجه نصیرالدین طوسی شارح این تقویم در ایران، سال این تقویم را شمسی حقیقی و ماهش را قمری می‌داند.<sup>۲۱</sup> بروج دوازده گانه شمسی به‌عنوان ماه‌های گاه‌شماری دوازده حیوانی ایرانی از گاه‌شماری جلالی اقتباس شده و تنها برای تعیین تاریخ پرداخت مالیات به‌کار برده می‌شده است.

در دوران صفویه که گاه‌شماری دوازده حیوانی با ماه‌های قمری رواج عمومی داشت، ماه‌های شمسی را نیز در تقویم‌های سالیانه ثبت می‌کردند.<sup>۲۲</sup> سال‌های دوازده حیوانی ایرانی در روز نوروز جلالی آغاز می‌شود و در روز قبل از نوروز سال بعد پایان می‌یابد و هر سال به ترتیب به نام یکی از حیوانات دوازده‌گانه نامیده می‌شود. از آنجا که این سال‌ها را از مبدأ هجرت می‌شمارند، برای آن که نام سال‌های قمری و سال‌های شمسی یکسان باشد در مواردی که اقتضا می‌کند یک سال قمری را حذف می‌کنند.<sup>۲۳</sup>

سید جلال‌الدین تهرانی هیأت‌دان معاصر، تقویم دوازده حیوانی را تاریخ ترکی غازانیه می‌نامد. در عهد غازان خان اصلاحیه‌ای به نام تقویم خانی نامگذاری شد. وی مسلمانی متعصب بود و برای این که مراسم دینی به نحو دقیق و صحیح انجام شود، علاقه خاصی به تقویم هجری اسلامی داشت و از طرفی به ابقای رسوم قومی و اجدادی خویش نیز بی‌توجه نبود از این رو به دستور وی سال مالی با تقویم دوازده حیوانی تنظیم گردید و اصلاحاتی در تقویم معمول زمان صورت گرفت. در دوره صفویه و قاجار نیز سال مالی بر اساس تقویم خانی بود.<sup>۲۴</sup>

### گاه‌شماری هجری شمسی<sup>۲۵</sup>

این تقویم ترکیبی از فرهنگ اسلامی و ایرانی است. تقویم هجری شمسی را باید تقویم ثانی جهان اسلام دانست. زیرا هر دو از یک مبدأ آغاز می‌شوند و یادآور هجرت پیامبر بزرگ اسلام است لیکن در یکی، سال بر اساس سیر قمر دنبال می‌شود و دیگری بر اساس دور شمس<sup>۲۶</sup>. سال شمسی و عمل بدان در

محاسبه زمان جهت ثابت نگه داشتن طول یک سال و قرار معین فصول، جهت آن بوده است که یادمان‌های اساطیری و معتقدات دینی درست به هنگام معین خود برگزار شود.<sup>۲۷</sup> بیشتر جوامعی که تمدن‌های کهن داشتند سالی را مبدأ محاسبه و نگاهداشت قرار می‌دادند که هم قمری بود و هم شمسی.<sup>۲۸</sup> گاه‌شماری قمری به علت سیار بودن ماه‌های قمری نسبت به فصل‌های سال، برای فصول خراج مناسب نبود. حتی خلفای اسلامی به ناگزیر برای این منظور گاه‌شماری شمسی ایرانی را به کار می‌بردند. اگرچه به ظاهر تقویم جلالی از سال ۱۳۰۴ هجری شمسی از رسمیت افتاد در حقیقت تقویم امروزی ما تغییر نام یافته آن است.<sup>۲۹</sup>

تبدیل گاه‌شماری رسمی ایران از هجری قمری به هجری شمسی، سه شنبه یازدهم فروردین ۱۳۰۴ هجری شمسی به ابتکار و پایمردی تقی‌زاده تحقق یافت.<sup>۳۰</sup> واژگان گاهنامه و گاه‌شماری نیز نخستین بار توسط تقی‌زاده به کار رفت.<sup>۳۱</sup> بایستی یادآور شد، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب فروردین ماه ۱۳۵۸ خورشیدی چنین آمده است: «اصل هفدهم: مبدأ تاریخ رسمی کشور، هجرت پیامبر اسلام ﷺ و تاریخ هجری شمسی و هجری قمری هر دو معتبر است. اما مبنای کار ادارات دولتی هجری شمسی است. تعطیل رسمی هفتگی روز جمعه است»<sup>۳۲</sup>.

### گاه‌شماری طبری

تقویم رایج در مازندران همان تقویم یزدگردی (قدیم یا فرس) بوده و در طول نزدیک به ۱۴۰۰ سال تغییرات گویشی در اسامی ماه‌های آن راه یافته است.<sup>۳۳</sup>

### اسامی ماه‌ها و مختاره تقویم یزدگردی به گویش مازندرانی

|         |          |                                       |
|---------|----------|---------------------------------------|
| ماه اول | فروردین  | فُردین، فِردین، فُردین، سیو، سیو، سیا |
| ماه دوم | اردیبهشت | کُرج، کُرج، کُرج، کُرج، کورچ، کورچ    |
| ماه سوم | خرداد    | خَر، خَره، هَر، هَر، اَر، خِرِه       |



نمونه‌های فراوان دارد.<sup>۳۵</sup>

گاه‌شماره وقفنامه‌ها، زمان ثبت موارد وقف شده را می‌رساند. این احتمال را دارد که به دلایل مختلف دچار تغییر شود. برخی از گاه‌شماری‌ها این ویژگی را دارند که با اندک دستبردی یا گذر زمان و پریشانی دست نبشته و یا شیوه نگارش کاتب به گاه‌شماره دیگر دگرگون شوند. دگرگون پذیری هم در گاه‌شماری عددی و هم حروفی دیده می‌شود<sup>۳۶</sup> همچنین در تهیه رونوشت از اصل وقفنامه‌هایی که بنا به دلایل مختلف از بین رفتند، این تغییر وجود دارد.

### گاه‌شماری و باور مردم ایران

گاه‌شماری‌ها در میان ملل مختلف بر اساس فرهنگ و نیازهای گوناگون جوامع انسانی به وجود آمد. بدین معنا که در گاه‌شماری قمری بیشتر اهداف و مقاصد مذهبی و معنوی ماه‌های تقویم هجری قمری در نظر است<sup>۳۷</sup> و روزهای اول هر یک از ماه‌های سال و بعضی از روزهای برخی ماه‌ها نیز از نظر سعد و نحس بودن شرایط خاص خود را دارد و این در حالی است که آیین‌ها و شعائر متعددی با مفاهیم گاه‌شماری مرتبطند. از جمله آداب و شعائری که در ده روز اول محرم به یاد واقعه کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام انجام می‌گیرد، موضوع رؤیت هلال به ویژه برای ماه‌های رمضان و شوال و شعائر و آدابی که برای روزهای هفته و بعضی روزهای مهم سال و ماه‌های سال وجود دارد.

بر اساس وقفنامه‌های مازندران که در روشن ساختن بسیاری از مجهولات تاریخ محلی، شهر و جامعه ما اهمیت دارند، مردم به تمامی شعائر این گاه‌شماری عمل می‌کرده‌اند. برای مثال: بسیاری از مصارف موقوفات در یکی از ماه‌های قمری به خصوص محرم و صفر به منظور برگزاری تعزیه و مراسم مذهبی در میان مسلمانان به خصوص شیعیان ایران تأکید شده است. و حتی زبان برخی از وقفنامه‌های کهن مازندران به عربی است. از این روی وقفنامه‌ها از اسناد مهم تاریخ اجتماعی هستند.

اصطلاح اول برج و آخر برج نیز پس از به‌کارگیری ماه‌شماری برجی به دست مستشاران بلژیکی برای محاسبات اداری و پرداخت حقوق کارکنان دولت، از دوران قاجار باب شده و هنوز ورد زبان کارمندان دولت در ایران است.<sup>۳۸</sup>

و اما ورود گاه‌شماری ترکی به فرهنگ ایرانی و استفاده ایرانیان از دوره دوازده گانه سال‌شماری حیوانی نوعی تأثیرپذیری فرهنگی است<sup>۳۹</sup> که برای ترکان و مغولان در زمره اعتقادی دیرین و ایرانیان و فرهنگ و تمدن آنها عقایدی خرافی بود.<sup>۴۰</sup> دلیل اصلی گسترش این تقویم، احکام نجومی و قابلیت آن برای استفاده در طالع‌بینی و عقاید عامیانه است. همین خصوصیات انسانی و اجتماعی سبب گسترش سریع آن در جامعه آن روزگاران ایران گردید. جامعه‌ای که از نظر آشفته‌گی فکری و بی‌سامانی زندگی، مستعد پذیرش این مسائل بود. چنان‌که هنوز هم مردم از این تقویم یاد می‌کنند و این نوع اعتقادات جزو آداب و رسوم معمول شده است.<sup>۴۱</sup> برخی اسناد تاریخی از کاربرد گاه‌شماری دوازده حیوانی حتی در قرن دوازدهم هجری قمری آن هم در اسناد رسمی همچون وقفنامه‌ها در سایر نقاط جهان غیر از ایران خبر می‌دهند.<sup>۴۲</sup>

بسیاری از سنن آیینی و ملی مردم ایران بر اساس تقویم‌های محلی مشخص می‌شود که علاوه بر گرایش‌های دینی یک منطقه برخی از تحولات اجتماعی آن را در گذشته روشن می‌سازد. برای مثال؛ در خصوص تقسیم آب روستای رینه با پاره‌ای از اصطلاحات محلی مازندران از قبیل چشمه روزه بیل دسته، آفتاب به نوا<sup>۴۳</sup> و با کاربرد واحدهای سنتی وزن چون «من ری» آشنا می‌شویم. در وقفنامه چراگاه‌ها در روستای رینه لاریجان آمل از گاه‌شماری طبری<sup>۴۴</sup> به همراه ارکان گاه‌شماری قمری استفاده شد. با توجه به این‌که گاه‌شماری طبری با تغییراتی همان گاه‌شماری فرس قدیم است می‌توان گفت در سرزمین ایران بسیاری از گاه‌شماری‌ها ریشه مذهبی دارد و مورد احترام است.

گاه‌شماری ثبت شده در اسناد مربوط به مازندران به صورت دوازده حیوان،

گاه‌شماری قمری، گاه‌شماری شمسی و گاه‌شمار طبری بوده است که در ادامه نمونه‌هایی از آنها می‌آید.

## الف) وقفنامه

### وقفنامه شماره ۱:

جواهر حمد و سپاس مزید احساس عقل و حواس و فزون از احصای وهم و قیاس وقف بی‌متتهای حضرت رب‌الاربابی است که املاک ملک و ملکوت را بی‌مساهمت غیرمالک شش‌دانگ عرصه امکان را حاکم بی‌انباز و مشارک وحده لاشریک له و سنبله درود نامعدود نثار ختمی مآبی است که مقصود اصلی از آبیاری مزرعه جهان حصول حاصل ذات ملکی صفات اوست. صلوات الله و سلامه علیه و آله و صلوات زاکیات بر آل و اصحاب آن والاجناب که واقفین مواقف خیرات را مرشد و دلیل و سالکین مسالک میرات را هادی و سبیل‌اند بار. اما بعد الحمد و الصلوة چون دنیای فانی مزرع سرای جاودانی و محل تکمیل نفوس انسانی است لهذا موفق شده به توفیقات حضرت سبحانی عالی جاه محدث همراه زبده الاشباه کربلائی صفرعلی ناظر ساروی المسکن و وقف مؤبد و حبس مخلد نمود تمامت محال عشره و املاک مفصله را به جهت تعزیه حضرت سید الشهداء و امام السعداء ابی عبدالله الحسین علیه و علی ابائه و ابنائه آلاف التحیه و الثناء و بر اولاد ذکور خود نسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن و بر اولاد اناث خود هکذا علی التفصیل آلتی الی ان یرث الله الارض و من علیها قریبة الی الله و طلباً لمرضات الله که همه ساله بعد از تعمیرات و مصالح الاملاک و منال دیوانی آنچه نمآت و ارتفاعات و منافع اعیان موقوفه است در مصارف عشره به طرق مقرره مصروف شود اما محال عشره موقوفه... اما مصارف عشره: آنکه دو عشر از کل منافع حق متولی که بعد مذکور می‌شود علی التفصیل المرقوم باشد الی یوم الموعود و دو عشر از کل ده عشر اعیان

موقوفه مفصله فوق وقف تعزیه حضرت ابی عبدالله روح العالمین فداه باشد که منافع آن به توسط متولی صرف در تعزیه من الشراب و الطعام و غیرهما بوجوه الغزاء در ایام محرم و صفر شود مادامیکه خانسرای واقف باقی است در خانه او صرف شود و بعد از انعدام خانسرای اختیار با متولی است در هر جا صرف کند چهار عشر از ده عشر وقف بر اولاد ذکور بطن اول واقف است علی التسویه و چنانچه بعضی از اولاد ذکور فوت شوند و اولاد ذکوراً و اناثاً داشته باشند سهام ایشان وقف بر اولاد ایشان است للذکر مثل خط الانثیین است که اعمام حاجب نیستند و چنانچه بعضی اولاد فوت شوند... و قد جرت الصیغه الوقف جامعه لشرایط الصحه والزوم و حصل القبض و الاقباض فصارت المحال العشره وقفا صحیحاً شرعياً بحیث لایباع و لا یوهب فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یدلونہ و من تصرف فی تلك الاعیان بغیر الوقف او تغیر شیئاً فی ذلك فعليه لعنة الله و الملائکة و الناس اجمعین و اشهد الله تعالی علی ذالک و الله تعالی خیر الشاهدین و کان وقوع ذالک فی العشر الثالث من شهر رمضان المبارک مطابق سنه سیحقان ثیل سنه ۱۲۸۱. «علی مع الحق و الحق مع علی» «صفر علی ۱۲۶۵» ۴۵.

### وقفنامه شماره ۲:

هو الواقف علی الضمائر

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد بی حد خداوند احد را سزد که به نیات و اعمال عباد واقف و علیم است «ذلک عالم الغیب والشهادة العزیز الرحیم» و جزا دهنده/عمل از راه فضل عمیم «و إنّ الفضل بیدالله یؤتیه من یشاء و الله ذوالفضل العظیم» نخست بازار آفرینش را به جواهر عقول عقیله و/نفوس نفیسه بیاراست تا نیک را از بد... «و لیتذکر اولوالالباب»... اول، اینکه متولی مداخل و منافع املاک و مستقلات و رقبات را / از روی دقت و اهتمام جمع آوری و تعمیر موقوفات را بر سایر مخارج مقررّه مقدّم

داند و از منافع دو عُشر را به حق التولیه و یک عُشر را به حق النظاره محسوب و بقیه را / صرف تعزیه‌داری کند بدین طریق که در ایام عاشورا روضه‌خوان و ذاکرین و مرثیه‌خوانان به قدر ضرورت آورده که شب و روز مرثیه‌خوانی شده / تعزیه‌داران و حضار محفل عزا را قهوه و غلیان و شربت داده اطعام نماید و مرثیه‌خوانان را به طریق تعارف تنخواه بدهند و چنانچه از برکات تفضلات / حق جلّ و علا و جناب سیدالشهدا علیه و علی آباءه و اولاده آلاف التّحیّة والثناء منافع موقوفات مقررّه زیاده بر مصارف ایام عاشورا آید در ایام جمعه و دوشنبه / واقع در اسایع اربعین صرف تعزیه و چنانچه زیادتی داشته باشد، تهیه زاد و راحله شایقین به زیارت کربلای معلی علی مشرفها آلاف السلام والثناء / نماید. هر گاه منافع قدر معتدبه باشد و بتوان در همه ولایتی که اعیان موقوفه واقع است تعزیه داشت فبها و الا منافع اعیان موقوفه واقعه در / ولایتی را در ولایت دیگر صرف تعزیه نماید و هر گاه العیاذ بالله در ایام مسطوره اختلالی در اوضاع زمان به هم رسد به این نسبت که اختلال مختص به ولایتی / باشد دون ولایتی، منافع را ارسال ولایت مأمونه ساخته که تعزیه‌داری شود و در سایر ایام سال به لوازم وقف عمل نماید...

از ابتداء دولت خاقان مغفور آقا محمدخان لغایت حال تحریر که ابتداء سنه میمونه تخاقوی نیل فرخنده دلیل است، وقف شد؛ مطابق سنه هزار و دویست و بیست و هشت هجری... املاک مرقوم در این وریشه و قفیت آنها در نزد این داعی محقق و محکوم به است. باید متصرف به شرایط وقف عمل نماید، از این قرار معمول دارند. فی ۲۷ شهر شوال ۱۲۶۰ (مهری با سجع: عبده ابوالقاسم الحسینی بن محمد محسن) قد وقع الاعتراف عن الواقف الموفق الموقف حسبما زیر و رقم لدی و انا الداعی لدوام الدولة القاهره (مهری چهارگوشه بزرگ با سجع لا اله الا الله الملك لله باقی لایقرء است).

وقف املاک موقوفه مفصل در ورقه متصله به یکدیگر نزد داعی واضح و لائح است. فی ۱۹ شهر رجب ۱۲۵۹ (مهری بیضی که کلمه «الحسینی» در آن خوانده

می شود ما بقی سجع لایقرء است) قد وقع الاعتراف عن الواقف الموفق الموقوف حسبما رقم و زبر والقبض والاقباض لدى. کتب الداعی ۱۲۲۸ (مهری بیضی با سجع عبده الراجی صفرعلی) که در بلاد و ولایات مفصله واقع است وقف اولاد خویش ذکوراً و اناثاً کرد. و تولیت را بعد از خود به ارشد ذکور موقوف داشته به شرایطی که / مسطور می گردد معمول دارد... و قد حرّر شهر ربیع الثانی من شهر سنه ۱۲۲۸ حرّره عبدالله الکتبوری از ابتدای دولت خاقان مبرور آقامحمدخان لغایت حال تحریر که ابتداء سنه میمونه تخاقوی ئیل خیریت دلیل است وقف شد... قد وقع الاعتراف عن الواقف الموفق الموقوف حسبما رقم و زبر والقبض والاقباض لدوام الدوله القاهره [مهری چهارگوشه بزرگ با سجع: لا اله الا الله الملك الحق المبين عبده علی اصغر] قد وقع الاعتراف عن الواقف الموفق الموقوف حسبما رقم و زبر والقبض والاقباض لدى ۱۲۲۸ [مهری بیضی بزرگ با سجع: عبده الراجی صفرعلی]

املاک موقوفه مشروحه در این اوراق موصوله به یکدیگر وقفیت آنها [ثابت] و بلاخلاف است. فی ۱۹ شهر رجب المرجب ۱۲۵۹ [مهری بیضی بزرگ با سجع: عبده محمد مهدی بن مرتضی الحسینی]

این املاک مرقومه وقف است و وقفیت آن محقق و محکوم به است. حرره فی شهر شوال ۱۲۶۰ [مهری بیضی بزرگ که سجع آن لایقرء است] [مهری چهارگوشه زیر همین مهر که سجع آن خوانده نمی شود].

و نیز از قرار تفصیل، دکاکین و املاک را وقف زائرین عتبات عالیات عرش درجات و مشهد مقدّس / و روشنایی مسجد و صغار بی پدر و تلاوت کلام الله مجید جهت والدین نمود که متولی، مداخل و منافع آنها را / جمع آوری و تعمیر موقوفات را مقدم داشته از منافع دو عشر را به حق التولیه محسوب و یک عشر به حق النظاره منظور دارد / و مابقی را صرف زائرین و غیره - از قراری که مرقوم و مشخص گردید- نماید مشروط بر اینکه زائر مرد معقولی بود و به هر یک / ده تومان تنخواه به جهت قیمت اسب و خرجی راه داده، قرارداد نماید که مادام توقف در هر یک از

اماکن مشرفه هر روز یک زیارت به نیابت واقف و والدین او به عمل آورد. تحریراً شهر جمادی الاول سنه ۱۲۲۸... قد وقع الاعتراف عن الواقف الموفق الموفق حسبما رقم و زبر والقبض والاقباض لدی ۱۲۲۸ [مهری بیضی بزرگ با سجع: عبده الراجی علی]

انتهای وقفنامه طرف چپ مهری بیضی بزرگ با سجع: عبده الراجی محمد کاظم موجود است ۴۶.

### وقفنامه شماره ۳:

اداره اوقاف آمل و لاریجان- مورخه ۳۱ حمل ۳۰۰، ۶۳ ثبت دفتر وقفنامجات گردید، عباس طاهری- بسم الله الرحمن الرحیم- غرض از تحریر آنکه حضور یافته خدارت و طهارت آداب کربلائی فاطمه خانم بنت مرحوم آقا میرزا سلیمان مشائی با اجتماع شرایط شرعیه و بعد وقف صحیح شرعیه نموده همگی و تمامت شش دانگی یکدست حیاط متصرفی موروثی خود را واقعه در بلده آمل، سرحمام حاجی علی نقی مشائی که شمالاً وصل است بحیاط ورثه مرحوم آقا میرزا هدایت مشائی با کافه ملحقات شرعیه از... و فوقانی و تحتانی بدون استثنا شی از شش دانگ برای خامس آل عبا، سرور شهدا علیه السلام که همه ساله منافع آن بعد از وضع تعمیر در مصرف عزاداری آن بزرگوار در ایام عزا و غیره سیما در شهر صیام از طعام و نان و واعظ و سبحة گو مسجد جامع آمل و نمارستاق در مجمع طائفه مشائی و دو کلام الله همه ساله در شهر صیام صرف شود. متولی هر قسمی که صلاح میدانند صرف نمایند از قرار مزبور ثواب آن مرجوع است بواقعه و والدین واقعه آقا میرزا سلیمان و کربلائی حبیبه خواتون و همشیره و برادرش، معصومه خانم و آقا محمد هادی و زوج واقعه کربلائی شیخ حسین و تولیت آن مادام الحیوة واقعه با خودش میباشد تومان سه قران حق التولیه واقعه میباشد بعد از واقعه تولیت آن مرجوع است بنواده های مرحومان حاجی علی مشائی و حاجی صالح مشائی که جدّ امی و

ابی واقفه میباشد بشرط قابلیت که اصلح و ارشد باشند چه از طرف ذکور و اناث نسلاً بعد نسل که تومانی یکقران حق این متولی است و صیغه وقف را حضرت مستطاب حجه الاسلام آقامیرزا عبدالحسین شاهاندشتی جاری فرمودند و شرائط وقف بحصول موصول یافته مقرر اینکه این وقفنامه نسختان نوشته شده و کان الوقوع و التحریر فی چهارم مرداد ماه قدیم ۷ شهر صفر الخیر مورخه ۱۳۳۵.

بسم الله الرحمن الرحيم - قد اجريت صيغه وقف ال... المذكوره، على نهج المذكور... الحضوريه الاخباريه عن المرثه الصالحه الواقفه المذكوره في ثامن عشر شهر صفر الخير في سنه ۱۳۳۵ و انا العبد الجاني على نفسه محل مهر حجة الاسلام آقا میرزا عبدالحسین شاهاندشتی دامت... (عبدالحسین الموسوی) اعترف المرثه الواقفه بقول العینی الموقوفه و لزوم الواقف فی شهر ربیع الاول فی سنه المذكوره و انا العبد الجانی على نفسه ایضاً محل مهر حجة الاسلام آقا میرزا عبدالحسین شاهاندشتی (عبدالحسین الموسوی) هر خیر الاسما و قد اعترف الواقفه حسب بما فصل فی الورقه وقع القبض لدى ابوالقاسم المطلق ۴ شهر ربیع الاول ۱۳۳۵، محل مهر جناب مستطاب شریعت مداری میرزا ابوالقاسم مطلق مشائی لا اله الا اله الملك الحق الیمین ابوالقاسم) قد اعترف الواقفه بما رقم الورقه من وقوع الوقف و لزومه و تقاریره لدى الاحقر الخاطی فی ربیع المولود ۱۳۳۵، محل مهر جناب مستطاب شریعتمدار آخوند ملا مهدی مشائی (عبدالراجی محمد مهدی) بسم اله هو خیر الاسمار و قد اعترف الواقفه المزبوره من وقوع الوقف و لزومه بما فصل فی الكتاب فی شهر ربیع المولود و أنا العبدالعاصی ۱۳۳۵، محل مهر جناب مستطاب ... شیخ محمد علی سلمه الله تعالی و رب نجنی محمد علی - سواد مطابق اصل است - عباس طاهری؛ سواد مطابق با اصل است که اصل آن نزد آقا محمد حسن مشائی است، [مهر]: دفتر اداره معارف و اوقاف آمل و لاریجان<sup>۴۷</sup>.

## وقفنامه شماره ۴:

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله الواقف على الضمائر والمطلع على [ال] سرائر  
والصلوة والسلام على محمد وآله على اعدائهم العجمين و بعد حاضره گردید  
عليه زهرا خانم امير صالحی دارنده شناسنامه شماره ۷۴۹۱ از آمل فرزند مرحوم  
میرزا احمدخان امیر صالحی آملی ساکنه آمل در حالت صحت نفس و کمال عقل  
عالمه عابده مختاره بدون الذکراه [بدون الاکراه] و الدجبار [والاجبار] و بعد الحضور  
وقف موی ید [مؤبد] و حبس مخلد شرعی نموده قرتیه [قربة] الی الله تعالی و طلبا  
لمرضاته مقدار و مساحت سه ربع از یک دانگ از کل ششدانگ از قریه کارچه کلا  
شماره پنجاه و پنج دهستان لیتکوه بالا خیابان را با کلیه متعلقات آن بقدر الحصة  
الشایعه از مزارع و مراتع و آنچه در پرونده و سن مالکیت واقفه مسطوره شرح  
داده شد بدون [استثناء شی] از آن برای عزاداری حضرت سید الشهداء علیه افضل  
التحیات و اتقا و اصحاب کرام او سلام الله علیهم که همه ساله عایدات و درآمد سه  
ربع موقوفه مزبوره بعد از وضع مالیات و مخارج محلی از شهر سازی و ... نهر و  
سایر مصارف محلی در مصرف عزاداری حضرت سید الشهداء در ایام عاشورا و محرم  
و صفر در هر کجا که متولی صلاح از تکیه و سقاخانه بیلاقا و قشلاقا و یا خانه  
شخصی که اختیار نماید و تولیت آنرا مفوض داشت به آقای امان اله مختاری دارنده  
شناسنامه شماره ۷۸۵ از آمل و بعد باولاد ذکور او نسلأ بعد نسل و در صورت نبودن  
ذکور باولاد اناث نسلأ بعد نسل با تقدم ذکور در هر طبقه و در صورت فقدان باولاد  
برادران بزرگ آقای امان اله ذکوره و اناث بنحو مزبور با رعایت اصلحیت در تمام  
مراتب و طبقات و در صورت انقراض با عالم و پیرمردان حضرات طایفه اسکی و  
حق التولیه یک عشر از عایدات موقوفه مسطوره میباشد و صیغه الوقف کما قررت  
فی الشریعه جاری گردید فصار وقفاء صحیحاء شرعیاء باتحقق قرین فلا بیاع ولد  
یورث و لا یوهن فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه الح توضیحاً آنکه تولیت موقوفه  
مادام الحیوه با خود واقفه مسطور میباشد بدون حق التولیه تاریخ هجدهم آبان

یکهزار سیصد و سی و نه / ۱۳۳۹ امضاء زهرا امیر صالحی - بسم الله الرحمن الرحيم حسب الوكاله ... عن المخدره المسطوره رويت صيغه الوقف... و سطور جعل التوليه لعن ... و سطور قد حصل القبوض و صار[صار] وقفاً[وقفاً] صحيحاً [صحيحاً] شرعيه فمن بدله ما سمع الح فى التاريخ المتن/ ۱۳۳۹ امضاء محمد غروى مير محمد غروى، مدير دفتر دادگستري آمل - قجرزاده امضاء ۱۳/۳/۴۰ [۱۳]، رونوشت برابر رونوشت است: [مهر:] اداره اوقاف شهرستان آمل ۴۸.

### وقفنامه شماره ۵:

آقا رستم المدعو «روزافزون» زاد الله توفيقه و جعل اليمين و الإقبال فى كل حال رقيقه، و نور الله مضجع والده العظيم الشأن الرفيع المكان، قدوة أعظم الأمراء فى زمانه، ملاذ أفاحم الكبراء فى أوانه، عديم المثل و النظير فى عهده و دورانه، المستريح بجوار رحمة الله، الملك الولي، زين الامارة و المغفرة والدين آقا على الروزافزون، لما تأمل معنى الآيات و الروايات، علم أن هذه الدنيا متاع، و أن الآخرة هى دار القرار و أن أسنى المثوبات و أعلى القربات ما بقيت آثاره على تكرر الليالى و الأيام، عملاً بقوله سبحانه و تعالى: مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ الله قرضاً حسناً فيضاعفه له أضعافاً كثيرة؛ و قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): إذا مات ابن آدم انقطع عمله إلا عن ثلاث: صدقة جارية و علم يتفَع به و ولد صالح يستغفر له. و لا شك أن الصدقة الجارية مفسرة بالوقف. فوقف و تصدق و حبس بنية جازمة و عزيمة صادقة على مصالح عمارة المشهد و المسجد اللذين بناهما الحضرة المؤيد الأمير الكبير قدوة الشُّهَار [؟]، زين الأمم، اعتماد السلاطين فى النسب [؟]، اختيار الخواتين فى العجم، ولى الأيادى و النعم، مُغرَس شجرة النجد و العلى و الكرم، شمس الإمارة و الإيالة و الدين، آقا محمد بن حضرت الواقف (أدام الله تعالى ظلال الوالد فوق مقبرة الشريف) الإمام الهمام قدوة أهل الإسلام يوسف بن حضرت الإمام الكامل العالم الزاهد البارع الشهيد سَمى نبي الملك الحميد، مقتدى الأولياء الكاملين، أكمل أولاد

سيد المرسلين، واسطة فيوض رب العالمين، الموفق بتوفيقات ملك الحاكمين، الإمام الهمام التمام أبي إبراهيم موسى الكاظم (عليه و على آباءه أفضل التحية و السلام). و على العلماء و الصلحاء و الأتقياء و القراء و الفقراء و المساكين و الصادرين و الواردين في هذا المسجد و المشهد الشريف جميع ما هو حق حضرت الواقف المتصدق (تقبل الله منه) و ملكه و في يده و في تصرفه بلا مانع و منازع و ثبت ملكيته بوجه شرعي. و ذلك جميع القرية المدعوة بفوريجا الواقعة بمازندران في بلوك الموسوم بعلى آباد من أعمال بلدة السارى حدودها و حدود اراضيها إلى ارضى قرية ديوكلاتجة، و إلى ارضى قرية تالاردشت التي في تصرف رستم المدعو كلاوت و ملوك رستمان و إلى ارضى السيد ظهير المدعو بملاز ولد غر فرهاد القاسم و إلى ارضى السيد حسين كيا و فرهاد قاسم المذكور، مع ساير التوابع و اللواحق و الحدود و الحقوق و الأراضى العامرة و الغامرة و العيون و القنوات و الآبار و الأودية و الباغات و البساطين و الأشجار المثمرة و الكرم و الطواحين و البيوت و السقوف و الأبواب و الأخشاب و مراعى الأنعام و المناقر و المنابر و كل ما هو من توابع القرية المحدودة، وفقاً صحيحاً شرعياً مؤبداً مخلدلاً على أن يبدأ المتولّى بعد حصول ربحه و منافعه أولاً بعمارة ما يحتاج إليه الموقوف و لا بد فيه يسعى عامراً، ثم ما بقى منه إلى عمارة المسجد و المشهد الشريفين من تطمين السطح و تجصيص الجدران و إصلاح الأبواب و الأغلاق، و سائر ما يحتاج إليه في الحال و لا بد منه يسعى عامراً ينتفع به الناس؛ ثم يصرف إلى ما يحتاج إليه في الفرش و الحصر و البوارى؛ ثم يصرف الى الدهن الذى يستصبح فيه من الشحم و غيره؛ ثم يصرف إلى موائد الفقراء و العلماء و الصلحاء و المساكين و الصادرين و الواردين فى هذا المسجد و المشهد المذكورين حسبة لله تعالى فى كل يوم مرتين: مرّة بالطعام المطبوخ باللحم و الدهن و الأرز كما هو المعتاد فى الولاية المذكورة فى أول ورود النهار، و مرّة بالنخب و الإدام من الخلّ و الدبس و الجبن و غير ذلك فى حال ورود الضيف. و يرتب فى كل عيد من عيدين و فى كل ليلة من الليالى المتبركة و رمضان أزيد من موائدهم فى الأيام. و لا يمنعون من

المائدة أن حضروا وقت بسطها و قد شرط - لا زال عمره أطول الأعمار- تولية هذا الوقف للدرويش الأعزّ الصالح المسمّى درویش علی بن المرحوم المبرور درویش تاج الدين المشهدبان؛ ثم لأولاده الذكور؛ ثم لأولاد أولاده الذكور بشرط أن يكون المتولى صالحاً أميناً أكبرهم فى السنّ. و من لم يتّصف بصفات الديانة و الأمانة، فلا حقّ له فى التولية. فسيبيل المتولّى أن يقوم بخدمة الصادرين و الواردين النازلين فيهما، و إيصال المائدة كما شرح إلى العلماء و الشعراء و الصلحاء و المساكين و ضبط محصولات الموقوف و تعمير الموقوف عليه. و صار القرية المحدودة بحقوقها و حدودها وقفاً صحيحاً شرعياً مؤبداً مخلداً مشتملاً بجميع الشرايط و الأركان بحيث لا يباع ولا يوهب ولا يرهن ولا يؤجر ولا يملك بوجه من التملكات و لا يتلف بأنواع الإتلافات و قد حكم بصحة ذلك حاكم من حكام الإسلام و قاض من قضاة الأيام. و لا يحلّ لوال و لا حاكم ذى شوكة و لا قاض و لا أمير و لا وزير و لا مفت و لا محتسب و لا لأحد يؤمن بالله و اليوم الآخر تغيير هذا الوقف و لا تبديله عن نسقه المسطورة و إزالته عن رقمه المزبورة و لا إبطاله منه بنوع تأويل فى إبطاله، أو إبطال غيره من قيوده بقول أو فعل أو شهادة أو تزكية أو فتوى، أو أعان مغيراً أو مبدلاً، فعليه لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعين. و لا يقبل الله منه صرفاً و لا عدلاً و لا فريضة و لا نفلًا، و جعله من الأخرسين أعمالاً الذين ضلّ سعيهم فى الحياة و عجل الله فى الدنيا عقوبته و فى الآخرة فضيحتة. فمَن بدله بعد ما سمعه فإنما إثمه على الذين يدلّونه إن الله سميعٌ عليمٌ. وكتب ذلك فى العاشر من شهر ربيع الأول سنة أربع عشر و تسعمائة من الهجرة النبوية المحمدية. و الحمد لله رب العالمين و أختم بالصلوة على محمد و آله و أولاده أجمعين.... ٤٩

### وقفنامه شماره ٦:

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله الواقف على السرائر المطلع على الضمائر و الصلوة على محمد المبعوث فى كل ما فى الباطن و الظاهر و آله الماجد فى الملك

الملکوت الطاهر. و بعد الحمد والصلوة، باعث بر صورت نگاری این صفحه فرح بخشا و موجب چهره آراییی این لوحه دلگشا آن است که توفیق سعادت یاور بخت شرافت مددکار جماعت اهالی قریه رینه لاریجان گردیده که در دهر عاریه سرای فانی و در گشت زار مزرعه دنیای دنی تخم سعادت کشته‌اند که عقبات عقبی موجب دستگیری و رفع شرمساری گردد پس عمده خیرات و اکرام طاعات صدقه جاریه است که موجب نام بلند و مقام ارجمند است و لذا اشخاص مفصله ذیل املاک مزروعی و غیره که بعد مذکور میشود وقف صحیح شرعی و حبس صریح ملی نمودند و تولیت آنها را مالکین و وارثین و حکام شرع مبین و فقهاء خجسته آیین من باب ولایت شرعیه مفوض نمودند به عالی جناب شامخ القاب آخوند ملاجعفرقلی و بعد به اولاد او نسلاً بعد نسل و بعد از انقراض آن سلسله به اعلم و اورع قریه رینه که هر ساله منافع املاک را متولی صرف تعزیه‌داری حضرت ابی عبدالله الحسین روحی فداه در تکیه رینه نماید و سدس منافع املاک موقوفه را واقفین و مجتهدین به رأی متولی مذکور برقرار نمودند که در عوض زحمات و تصرفات املاک موقوفه و اخذ اجارات آنها سدس از کل منافع مال متولی باشد. بر اولیای ذوات شرع و عرف ظاهر و هویدا باشد بر اینکه املاک مرقوم ذیل که وقف جناب خامس آل عباست حکام شرع و عرف را مداخله در آن بی اذن متولی جایز نیست تصرف املاک مذکور باید متولی مزبور نماید. چون مالکین و مجتهدین جناب آخوند ملاجعفرقلی را و بعد اولادش را بطناً بعد بطن متولی قرار داند تغییر و تبدیل غلط است و حکام شرع و عرف و غیره نباید خلاف کنند و به حیل و تدلیس املاک موقوفه از وقفیت بیرون نبرند، واقفین و وارثین طمع در آن نمایند و بدون اذن متولی در آن املاک کشت و زرع نمایند. مجمل آنکه اذن متولی را در هر مواد تصرف شرط بدانند. هرکسی که انحراف ورزند به لعنت خدا و نفرین رسول گرفتار و خصم ایشان حضرت شهید کربلا باشد. هر ساله باید متولی مذکور منافع املاک را ضبط و جمع نماید در ایام عزا صرف تعزیه در تکیه رینه بای نحوشاء نماید

و مختار التصرف متولی میباشد.

املاک این است:

۱- مقرب الخاقان سردار برای سعادت و فوز دارالقرار ده تومان مالیات چراخورکوه رینه را وقف تعزیه فرمودند. باجیه کوه رینه علاوه از ده تومان اگر به عمل آید باز وقف تکیه رینه خواهد بود.

۲- زمین موسی شش من ری مع آب که یک چشمه روزه است آب آن بیست دویم «هرماه» قدیم است از «بیل دسته تا» «آفتاب برود نوا».

۳- زمین ملا علی جان سه من ری، کربلایی خان زاده سه من ری که ثواب آن مال سکینه بانو باشد آب آن در ششم «هر ماه» قدیم آب پر نماید.

۴- زمین الله قلی کفشگر دومن ری آب پر نماید.

۵- طاحونه بالاحق سکینه بانو وقف است در دو ماه اجاره آن چهار من ری آرد است که باید محرم خرج تعزیه خان(خوان) شود.

۶- زمین یادگار سه من ری آب پر نماید.

۷- زمین محمدقلی محمدشاه دو من ری آب پر نماید.

۸- زمین حاجی آقابابا یک من ری آب پر نماید.

۱۲۵ (= ۱۲۰۵)

موافق مضمون مسطوره مرقومه متن منافع و منافع و مال الاجاره موقوفات برحسب وصیت واقف باید در وجه عالی جناب ملا جعفر که از نواده و اسباط مرحوم ملا جعفرقلی است همه ساله عامر گردد که بتواند مغری الیه به مصرف روزه(روضه) خوانی و تکیه و حسینیه برسد و احدی نباید مداخله کند. شهر رمضان ۱۳۳ (= ۱۳۰۳)، «سيف الملك»

مقرر آنکه چون سردار برای فوز دارالقرار دو تومان بازیاذه از مالیات ده رینه را در حال حیات وقف تعزیه داری تکیه رینه، حضرت معدلت سیرت مقرب الخاقان سرتیب دام اقباله ده تومان مالیات رینه را هر ساله واگذار به متولی مذکور نموده

که صرف تعزیه‌داری در تکیه رینه نمایند که ثواب آن..... و سیادت مآب سید علی چهارمن زمین مزروعی را مع آب که... سیم «هر ماه» است مشروب شود وقف نموده و تولیت آن را به عالی جناب علامی آخوند ملا میرزا مفوض داشته تا واضح باشد.

این قباله صحیح است و باید ازین قرار عمل شود و خلافی ندارد فی شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۳ (=۱۳۰۳) «میرزا محمدابن عباس قلی»

بسم الله تعالی. با آنکه فعل تولیت به اولاد بطناً بعد بطن علی التحقیق دلالت بر تشریک اولاد عرضیه ندارد بلکه عرضاً تولیت روی عنوان ولد میرود و هرکه قائم مقام شده است برای تصرفات تمحض در ولایت دارد مع ذلک میرزا احمد که یکی از اولاد عرضیه متولی اول است و با جناب ملاعلی جان در عرض واقع شده است در محضر به حسب وکالت حق موهومی خود را واگذار نموده است بهمان ملا علی جان پس جناب ملا علی جان مستقل است در امر تولیت. «من الاحقر احمد الاسکی یا احمد». قد صح جمیع مارقم فی الوریقه و انا العاصی الجانی «عبده محمدصادق الموسوی ۱۲۵»

قد صح مما سطر به المتن من البدو الی الختم لدی الاحقر (مهر ناخوانا)، چون املاک مرقومه را مالکین و مجتهدین وقف خاص تکیه رینه کردند و تولیت آن را به جناب مرحوم ملا جعفرقلی مفوض کردند حال نیز آن املاک تولیت مفوض به شمس الفلک الهدایه علامی آخوند ملا میرزا میباشد غیر ایشان مداخله در آن املاک شرعاً نمی‌توانند و السلام «لا اله الا الله الملك الحق المبين مهدی الموسوی ۱۲۸۶» «عبده الحسین الحسینی الموسوی» بسم الله و له الحمد نظر به خط و ختم شریف علمای اعلام و فقهای عظام عطرالله مرقدهم این وقف نامچه در کمال صحت و اعتبار است عمل به مضمونش حسب المسطور واجب و لازم است و السلام علی من اتبع الهدی و نهی النفس عن الهواء حرره بیده الجانیه فی اواسط شهر صفرالمظفر ۱۳۱۶ «العبد محمدحسن» الامر کما رقم و سطر فی الوریقه و انا العبد الاحقر «عبده

الراجی جعفر الموسوی ۱۲۷».

مضمون وقفنامه مانعی از صحت ندارد و تولیت املاک موقوفه مفوض است به اولاد مرحوم ملا جعفر قلی. حرره الاحقر محمدباقر لاریجانی عبد محمدباقر.

بسم الله تعالی شأنه این وقفنامه در نهایت اعتبار و اتفاق است لاسیما نظریه خط و خاتم شریف خلد آشیان عمی العلام مرحوم مغفور آقای ملا محمدصابر عطرالله مرقده لذا نظر به سند معتبر ایشان عمل به مضمون وقفنامه واجب و لازم است. حرره الاحقر فی شهر ذی قعدة الحرام من ۱۳۳ (= ۱۳۰۳) «المتوکل علی الکریم ابوطالب بن محمدابراهیم» مضمون مسطور من البدایه الی النهایه موافق واقع مییاشد حرره الجانی «عبدہ الفصل الله ابن جعفر ۱۲۸۷».

بلی جمله املاک موقوفه مرقومه باید در تصرف جناب مستطاب آخوند ملا میرزا وقفه الله تعالی بوده منافع او را علی ما قرر فی الورقه صرف تعزیه داری خامس آل عبا علیه آلاف التحية و الثناء نماید و هکذا مقررى مرحوم مبرور جنت مکان عباس قلی خان سردار و برقراری مقرب الخاقان عالی جاه عباس قلی خان ثانی باید در تصرف جناب مشارالیه بوده در وجه مزبور صرف و خرج نماید. قد حرر ذالک بیده الجانیه من اواخر شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۲۸ (= ۱۲۸۰) «الوائق بالله الغنی عبدہ حسن الحنی ۱۲۶۹».

هوالله. این وقفنامه در نهایت صحت و کسی را حق صحت نیست و سدس را هم از تمام ملک وقف باید متولی اخذ بنماید و کسی را حق ممانعت نیست مگر به اجاره متولی... ۱۳۲۴... هوالحق علی محمد ۱۳۱۲.....

قد صح و اتضح المسطور فی هذا الورقه بالصدق و الصواب و انا الجانی «عبدہ الراجی نصرالله الموسوی ۱۲۵۱» پوشیده نماناد که مالکین املاک مرقومه متن را وقف کردند و صیغه وقف را علما جاری کردند و واقفین و مجتهدین متولی را جناب ملا جعفر قلی را قرار دادند پس از آن اولاد راه و من بدله له اثم عظیم «عبدہ الحسین الموسوی» «لا اله الا الله الملك الحق المبين عبدہ مهدی الموسوی ۱۲۸۶».

۱۳۴

وقفنامه

گاه شماری در پاورهای آیینی و مذهبی ایرانیان  
(با تکیه بر وقفنامه های سازندگان)

بسم الله تعالى. صحت این وقف بر هیچ مسلمانی خفی نیست و سدس تمام منافع اعیان موقوفه مسطورہ متن قطعاً مال خاص متولین مرقومین است و در این جزء از زمان چون جناب مستطاب آخوند ملا جعفر قلی به جعل واقف متولی اعیان موقوفه است و ولد اتصالی متولی اول چون به غیر از ایشان کسی نیست لذا باید مادام حیوة ایشان مع بقای شرط ولایت وقف در ایشان تمام سدس منافع مزبور عائد ایشان شود و مزاحمت احدی مشارالیه را در این باب حرام است. الفانی احمدالاسکی شهر رجب ۱۳۲۱ «یا احمد ۱۳۰۲» ۵۰.



## ب) اسناد مربوط به آتش سوزی ۱۳۳۵ قمری در شهر آمل

### سند شماره ۱:

[نشان شیر، خورشید و تاج]:

وزارت امور خارجه

کارگزاری مهام خارجه کرمان و بلوچستان

مورخه پنجم شهر شعبان ۱۳۳۵ مطابق ۶ برج جوزا ثیلان ثیل

نمره ۶۳۰ .....ضمیمه.....

مقام منیع وزارت جلیله خارجه

مرقومه محترمه مورخه هشتم ۳۸۸ راجع بحادثه الم انگیز حریق آمل و خانمان سوختگی اهالی آنجا زیارت گردید اینکه مقرر فرموده بودند از طرف اعضاء کارگزاری کرمان هم در این امر خیر شرکت نمایند بدبختانه طوری... و اجزای کارگزاری اینجا دچار عسرت و پریشانی هستند که خود آنها محتاج بکمک و اعانه میباشد و هرقدر سعی کردم بلکه مبلغی جمع آوری نموده تقدیم نماید ممکن نشد [امضا: ناخوانا]; [مهر:]: کارگزاری مهام خارجه کرمان و بلوچستان، اداره کابینه وزارت امور خارجه ۵۱

۱۳۶

وقفنامه

گاه شماری در باورهای آیینی و مذهبی ایرانیان  
(باتکیه بروقفنامه های مازندران)

### سند شماره ۲:

بتاریخ ۱۶ شهر شعبان ۱۷ جوزای ثیلان ثیل ۱۳۳۵

[نشان شیر، خورشید و تاج]

کارگزاری مهام خارجه کرمانشاه

نمره ۳۸۴ .....ضمیمه.....

مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه

در تکمیل عریضه ۲۵۱ راجه باعانه آمل بر طبق تقاضای جناب مستطاب آقاسید

اسمعیل او جاق در دارالحکومه مجلس مرکب از علماء اعلام و شاهزاده گان و اعیان تشکیل دستخط جهان مطاع همایونی و احکام تلگراف ریاست وزراء عظام در مجلس مزبور قرائت شد پس از مذاکرات زیاد بالاخره در تأدیه وجه اعانه حاضر شدند مشروط بر اینکه وجه اهالی کنند تخصیص شود صورت تلگرافی هم نوشتند که از مقام منبع ریاست وزراء عظام استدعا نمایند اعانه‌های کرمان شاه را اجازه بدهد تنها بکردنی مرحمت شود. قونسولهای دولتین روس و انگلیس هم بتوسط مترجم قونسولگری انگلیس در حین انعقاد مجلس پیغامی فرستادند که مقدار سی خروار گندم از طرف قونسولها باهالی کنند اعانه داده میشود. حاضرین مجلس مزبور هم هرکدام مبلغی معین کردند که تأدیه نمایند و کمیسیون هم تشکیل دادند که کار اعانه را بانجام برسانند. صورت اسامی و مبلغ اعانه که در مجلس مزبور به طیب خاطر قلمداد شد لطفاً برای استحضار خاطر مبارک تقدیم مینماید. [سجع مهر: معاضدالملک

[حاشیه پایین وسط]: اداره..... به کومسیون اعانه حریق‌زدگان آمل... بوزارت جلیله داخله ۴..... ۵۲

### نتیجه

گاه‌شماری (رسمی و محلی) در روشن ساختن تحولات اجتماعی و گرایش‌های دینی یک منطقه نقش مهمی دارد. در اسناد و وقفنامه‌های مازندران به‌خصوص شهر ساری، آمل و لاریجان رکن اصلی گاه‌شماری قمری به همراه دیگر گاه‌شماری‌ها آمده است. علاوه بر ثبت یک رویداد و سند، اصول و شعائر ماه‌های گاه‌شماری قمری به‌خصوص در وقفنامه‌ها در نزد مسلمانان تأکید شده است. به غیر از گاه‌شماری دوازده حیوانی که از قرن هفتم هجری قمری در قلمرو سیاست، علم و فرهنگ ما رواج یافت، بسیاری از گاه‌شماری‌های رایج در ایران ریشه مذهبی داشته و دارد.

## پی‌نوشت‌ها:

۱. کارشناس ارشد ایران‌شناسی - دانشگاه شهید بهشتی رحمته‌الله.
۲. تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۶، صص ۵۸-۵۹.
۳. تاریخ تاریخ در ایران، ص ۸۴.
۴. همان، ص ۸۵.
۵. همان، ص ۸۶.
۶. گاه‌شماری در تاریخ، ص ۱۳۰.
۷. همان، صص ۱۰۴-۱۰۵.
۸. فرهنگ، شماره ۲۰ و ۲۱، ص ۱۲۸.
۹. گاه‌شماری، ص ۲۰۷.
۱۰. گاه‌شماری در تاریخ، ص ۱۳؛ سال قمری: هر یک بار گردش قرص ماه به گرد زمین را که ۲۹ یا ۳۰ شب‌روز است یک ماه مانگی یا ماه قمری می‌نامند (گاه‌شماری، ص ۱۰۸).
۱۱. برج: مدت زمان سیر خورشید در هر یک از بروج فلکی را گویند (گاه‌شماری، ص ۵۵).
۱۲. همان، ص ۳۱.
۱۳. همان، ص ۳۲.
۱۴. گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان، ص ۴۷۵.
۱۵. تاریخ تاریخ در ایران، ص ۲۹۷.
۱۶. گاه‌شماری در تاریخ، ص ۱۴۳.
۱۷. همان، ص ۱۴۴.
۱۸. همان، ص ۱۴۶.
۱۹. جستارهای ادبی، شماره ۵۷ و ۵۸، ص ۱۹۷.
۲۰. تاریخ تاریخ در ایران، ص ۳۳۱.
۲۱. گاه‌شماری در تاریخ، ص ۲۰.
۲۲. همان، ص ۳۳۳.
۲۳. تاریخ تاریخ در ایران، ص ۳۳۵.
۲۴. جستارهای ادبی، شماره ۵۷ و ۵۸، صص ۲۰۵-۲۰۶.
۲۵. سال شمسی: هر سال که تعداد شب‌روزهای آن با مدت گردش زمین به گرد خورشید سنجیده شود، سال خورشیدی یا شمسی می‌گویند.
- سال خورشیدی حقیقی: اگر طول سال خورشیدی دقیقاً معادل یک بار گردش زمین به گرد خورشید باشد، آن سال را خورشیدی حقیقی می‌گویند.
- سال خورشیدی اعتدالی: اگر سال خورشیدی حقیقی از هنگام اعتدال تا هنگام اعتدال بعدی سنجیده شود، سال خورشیدی اعتدال نام دارد.
- سال خورشیدی اصطلاحی: اگر طول سال خورشیدی معادل ساعاتی یا دقایقی از طول سال خورشیدی حقیقی کمتر یا بیشتر باشد، سال خورشیدی اصطلاحی یا سال خورشیدی وضعی یا تقویمی نامیده می‌شود (گاه‌شماری، ص ۱۰۸).
۲۶. گاه‌شماری در تاریخ، ص ۱۴۶.
۲۷. گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان، ص ۲۱.
۲۸. همان، صص ۲۱-۲۲.
۲۹. گاه‌شماری در تاریخ، ص ۱۴۶؛ گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان، ص ۴۵.
۳۰. تاریخ تاریخ در ایران، ص ۳۴۱؛ ایران‌نامه، شماره ۸۴، ص ۵۳۷.
۳۱. همان، ص ۵۴۰.
۳۲. گاه‌شماری، ص ۲۰۸.
۳۳. گاه‌شماری، ۱۸۵.

- آرشیو ۶۵.
۴۹. در سال ۱۲۶۹ قمری سوادى از اصل سند تهیه شد. در سال ۱۳۳۵ سوادى از روی سواد ۱۲۶۹ قمرى توسط اداره اوقاف محل تهیه شد که در این گفتار آمده است (میراث جاویدان، شماره ۷۵، ص ۷۲).
۵۰. معارف اسلامى، شماره ۸، صص ۷۰-۷۴.
۵۱. اداره اسناد و تاریخ دیپلماسى وزارت امور خارجه، سند شماره ۶۸-۷۳-۴۶-۱۳۳۵ق.
۵۲. همان، سند شماره ۹۱-۷۳-۴۶-۱۳۳۵ق.
۳۴. دو نمونه از گاه‌شماری اسناد در پی‌نوشت آمده است.
۳۵. جستارهای ادبى، شماره ۵۷ و ۵۸، ص ۲۰۶.
۳۶. تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانى دانشگاهى، شماره ۵۰، ص ۲.
۳۷. چون محرم، صفر، ربیع‌الاول، ربیع‌الآخر، جمادى‌الاولى، جمادى‌الآخر، رجب، شعبان، رمضان، شوال، ذى‌قعدة، ذى‌حجه (گاه‌شماری در تاریخ، ص ۱۲۵).
۳۸. ایران‌نامه، شماره ۸۴، ص ۵۳۸.
۳۹. فرهنگ مردم ایران، شماره ۲، ص ۷۱.
۴۰. همان، ص ۷۴.
۴۱. گاه‌شماری در تاریخ، ص ۷۳.
۴۲. تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۶، ص ۷۲.
۴۳. يعنى در تقسیم آب آن روستا که شبانه روز را به بیست و چهار ساعت و شش «چشمه روزه» هر یک چهار ساعت بخش می‌کنند و مدت یک‌ماه را هم به «بنه ماه» و جزان بخش می‌کنند و در روزهای آفتابى با سایه آفتاب و در شب با اوضاع ستارگان سهم آب هر کشتزارى را معین می‌کنند و این‌گونه تقسیم را به میرزا احسان وزیر نسبت می‌دهند. جزییات این تقسیم آب در قباله‌های محل منعکس است (معارف اسلامى، شماره ۸، ص ۶۸).
۴۴. «هرماه» قدیم همان خرداد است.
۴۵. معارف اسلامى، شماره ۸، صص ۶۸-۷۰.
۴۶. میراث جاویدان، شماره ۱۸، صص ۳۹-۴۵.
۴۷. به‌صورت رونوشت از اصل وقفنامه، آرشیو ۷۲.
۴۸. به‌صورت رونوشت از رونوشت وقفنامه، اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان آمل،

## منابع:

## کتاب

۱. تاریخ تاریخ در ایران، رضا عبداللهی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۵.
۲. گاه شماری در تاریخ، ابوالفضل نبئی، تهران، سمت، ۱۳۸۱.
۳. گاه شماری و جشن های ایران باستان، هاشم رضی، تهران، بهجت، ۱۳۸۰.
۴. گاه شماری، رحیم رضازاده ملک، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۳.

## مقاله

۱. بررسی، بازنویسی و ترجمه سند وقفنامه آقارستم روزافزون سردار مازنی (قرن ۱۰ ه.ق)، مهدی رحمانی کفشگری، میراث جاویدان، شماره ۷۵، ۱۳۹۰.
۲. تقویم دوره ای دوازده حیوانی، ابوالفضل نبئی، جستارهای ادبی، شماره ۵۸ و ۵۷، ۱۳۶۱.
۳. تقی زاده و گاه شماری ایرانی، ناصر مجد، ایران نامه، شماره ۸۴، ۱۳۸۳.
۴. دگرگون پذیری گاه شماری دست نیشته ها، علی صفی پور، تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی، شماره ۵۰، ۱۳۸۸.
۵. دو وقفنامه از مازندران، محمدتقی دانش پژوه، معارف اسلامی، شماره ۸

۱۳۴۸.

۶. طالع بینی و تقویم دوازده حیوانی، حسین بیات، فرهنگ مردم ایران، شماره ۲، ۱۳۸۳.

۷. گاه شماری دوازده حیوانی و کاربرد آن در آثار تاریخی، سید مهدی جوادی، تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۶، ۱۳۸۴.

۸. گاه شماری کنونی ما و تأثیر گاه شماری جلالی بر آن، احمد بیرشک، فرهنگ، شماره ۲۰ و ۲۱، ۱۳۷۵-۱۳۷۶.

۹. وقفنامه میرزا محمدیوسف اشرفی، منوچهرستوده، میراث جاویدان، شماره ۱۸، ۱۳۷۶.

## مراکز آرشیوی

۱. اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
۲. اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان آمل.